

عبدالرحمن الشها

حقوق بشر

اسلام

ترجمه و تحقيق

هيبت الله نژندی منش

شها، عبدالرحمن
حقوق بشر در اسلام / [نویسنده عبدالرحمن شها]؛ ترجمه و تحقیق هیبت الله
نژندی منش. - تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۲.
۱۹۴ ص.

(ISBN: 964-7701-62-4)

Abdul - Rahman Sheha.
Human rights in Islam.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیها.
عنوان اصلی:
ص.ع. به انگلیسی:
کتابنامه: ص ۱۱۹۴ همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.

۱. حقوق بشر (اسلام). الف. نژندی منش، هیبت الله، ۱۳۵۶ - ، مترجم ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۴

ح ۹ ش ۱ / ۲۳۰ / ۱ / BP
۱۳۸۲

م ۸۱-۴۱۷۴۲

کتابخانه ملی ایران



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام - تلفن: ۰۵۲۸-۲۲۲۵۲۳۸

حقوق بشر در اسلام

نویسنده

عبدالرحمن شها

ترجمه و تحقیق

هیبت الله نژندی منش

پستی، ۲۲۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۶

امور فقی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

(ISBN: 964-7701-62-4)

شابک ۹۶۴-۷۷۰۱-۶۲-۴

مقدمه مترجم

«و لقد کرّمنا بنیء ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً»^۱

مفهوم حقوق بشر (Human Rights) در اسلام بر دو اصل مهم مبتنی است: کرامت افراد انسانی و عدالت. اسلام همواره بر این نکته تأکید می‌ورزد که خداوند سبحان تعالی تمام افراد انسانی را مورد فضل قرار داده و آنها را تکریم نموده است. خداوند از تمام افراد بشر می‌خواهد تا در محیطی سرشار از صلح و نظم زندگی کنند؛ و به همین دلیل او از ما می‌خواهد تا در این دنیا عدالت را بر پا کنیم. زیرا در جهان بدون عدالت، کرامت و شایسته انسانی وجود نخواهد داشت و بدون کرامت و عدالت هیچگونه صلح و آرامشی نخواهد بود.

وقتی که از حقوق بشر در اسلام سخن می‌گوییم باید همواره چهار نکته مهم زیر را مد نظر داشته باشیم:

۱. سوره الاسراء، آیه ۷۰.

- (۱) حقوق عطیه الهی هستند؛
- (۲) حقوق تابع تکالیف هستند؛
- (۳) حقوق از نوعی سلسله مراتب برخوردارند؛
- (۴) در روابط انسانی یکسری اولویتها و برتریهایی وجود دارد.

(۱) حقوق عطیه الهی هستند: وقتی که از حقوق بشر در اسلام سخن می‌گوییم منظور این نیست که این حقوق به موجب یکسری کنوانسیونها یا قراردادهای اجتماعی و جز آن به بشر داده شده‌اند بلکه این حقوق را خداوند -خالق انسان- به بشر اعطا کرده است و باید آنها را ارزشهای جاودانی و معیارهایی جهان شمول و ذاتی تلقی کرد. این حقوق از آن تمام افراد بشری هستند و اصولاً بدون این حقوق نمی‌توان فرد را بشر نامید.

(۲) حقوق تابع تکالیف هستند: شریعت اسلامی مجموعه‌ای است از حقوق و تکالیف. در شریعت اسلامی هم حق وجود دارد و هم تکلیف علمای اسلام در مورد این مسأله که آیا ابتدا حق وجود داشته یا تکلیف بحثهای زیادی کرده‌اند برخی بر تکلیف و برخی نیز بر حق تأکید کرده‌اند. بهر حال هر دو مقوله حق و تکلیف دارای اهمیت می‌باشند. داشتن حق بدون تکلیف امکان‌پذیر نیست. همچنین بین حقوق و تکالیف نوعی

ارتباط متقابل وجود دارد. حق یک نفر تکلیف نفر دیگر است و تکلیف یک فرد حق شخص دیگر می باشد.

۳) سلسله مراتب در حقوق: شریعت دارای مقاصد خاصی می باشد. امام غزالی، امام شیبی و بسیار دیگر از علمای اسلام پنج مقصد بنیادین را برای شریعت ذکر کرده اند: دین، حیات، نسل، اندیشه و مال. لکن در شریعت اسلام قواعد خاصی وجود دارد که ضروریات نامیده می شوند و پاره ای دیگر نیز حاجات و برخی توسو و تیسرات نامیده می شوند. صیانت از دین در راس موارد پنجگانه مذکور قرار دارد، پس از دین مهمترین چیزی که باید حفظ شود، حیات است و همینطور تا به مال برسیم که در انتهای این سلسله مراتب قرار دارد. همچنین چیزهایی وجود دارد که فرض هستند و مواردی وجود دارند که نفل نام دارند و در نهایت دسته ای بنام مباحات وجود دارد.

۴) اولویتها در روابط: اسلام در مورد این اولویتها برنامه مفصل و گسترده ای دارد. تمام افراد دارای حقوق هستند اما هیچکس حقی فراتر از حقوق خداوند ندارد. در میان افراد حقوقی از قبیل حقوق والدین، حقوق زن و شوهر، حقوق فرزندان، حقوق دیگر خویشاوندان، حقوق همسایگان و حقوق کارگران و کارفرمایان وجود دارد. همچنین می توان به این موارد حقوق غیر مسلمانان و دیگر افراد بشری را نیز ذکر کرد.

البته اسلام برای حیوانات، منابع طبیعی و اشیاء هم حقوق قرار داده است. گاهی بین یک حق و حق دیگر تعارض بوجود می آید و در نتیجه برای فرد این سوال مطرح می شود که اکنون تکلیف من چیست؟ به همین دلیل است که مساله حقوق بسیار بغرنج و دشوار میشود. در این خصوص مهمترین نکته این است که در تمام روابط همواره از خدا بترسیم و آنچه را که انجام می دهیم بدانیم که در آن رضایت و خشنودی خداوند وجود دارد.

یاد آور می شوم آنچه را که امروزه در غرب از آن بعنوان حقوق بنیادین بشر نام می برند اسلام از همان ابتدای طلوع خود این حقوق را برای بشر برسمیت شناخته و بر آنها تاکید ورزیده است از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) حق حیات از جمله حق حیات جنین؛
- ۲) حق مالکیت و حمایت از اموال؛
- ۳) حق کرامت و حمایت از کرامت انسانی؛
- ۴) حق زندگی خصوصی (اینکه زندگی شخصی افراد باید محترم شمرده شود)؛
- ۵) آزادی شخصی؛
- ۶) حق نیل به عدالت (از طریق قانون)
- ۷) آزادی عقیده و ابراز عقیده؛

- ۸) آزادی مذهب و پرستش؛
- ۹) حق تساوی و برابری؛
- ۱۰) حق برخورداری از امنیت؛
- ۱۱) حق برخورداری از امنیت اقتصادی؛
- ۱۲) حق برگزاری تشکلات و اجتماعات؛
- ۱۳) حق مشارکت سیاسی؛
- ۱۴) حق مهاجرت و سکونت؛ و
- ۱۵) حق برخورداری از دستمزد عادلانه (حق کار).

در پایان لازم می دانم از همه کسانی که این جانب را در تهیه و تدوین مجموعه حاضر همکاری کرده اند - بویژه دوست فاضل و مهربانم آقای حسین یزدانی - تشکر و قدردانی نمایم.

الحمد لله رب العالمین

مشهد پاییز ۱۳۸۱

هیبت الله نژندی منس

MM

مقدمه مولف

هر جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای از قواعد اصول می‌باشد که بواسطه آنها حقوق و امنیت مردم خود را تامین و تضمین می‌نماید و افراد را قادر می‌سازد تا احساس آرامش و امنیت کنند. افراد جامعه باید به منظور ایفای وظایف خود به شیوه موجه و معقولی از این حس تعلق، صلح و امنیت برخوردار باشند.

در حال حاضر سه گرایش متمایز در جوامع یا جامعه‌ی جهانی ما در خصوص حقوق افراد و جامعه قابل تشخیص است. گرایش نخست گرایش فردگرایی می‌باشد که بیش از حد بر حق فرد بر جامعه تاکید می‌کند و در این راستا راه مبالغه و اغراق را می‌پیماید. این گرایش به فرد آزادی کامل می‌دهد تا آنچه را که دوست دارد و می‌خواهد، انجام دهد. بدون شک، این گرایش به وضعیت اجتماعی منجر خواهد شد که سرپا هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد بود. تمام جامعه از این آزادی نامحدودی که به فرد داده شده، در عذاب است و رنج می‌برد.

در جوامعی که این گرایش غلبه دارد میزان جرایم و جنایات افزایش می‌یابد و مادیگرایی بر جامعه حاکم می‌شود. این گونه گرایش را می‌توان در جوامع سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) ملاحظه کرد.

گرایش دوم، بر خلاف گرایش نخست و نقطه مقابل آن است. این گرایش جمع‌گرایی نام دارد و طرفدار حقوق جامعه بر فرد می‌باشد. گرایش نامبرده از حقوق جامعه بر فرد دفاع می‌کند و نوعی برتری و اولویت را برای حقوق جامعه قایل است. توده‌ها از تمام حقوق فردی خود (Individual Rights) محروم می‌شوند. تنها حقوقی که دولت به اجرا می‌گذارد به افراد چنین جامعه‌ای اعطا می‌شوند. این گونه گرایش به گرایش کمونیستی نیز معروف است.

گرایش سوم، نه بر حقوق جامعه بر فرد تاکید می‌ورزد و نه بر حقوق فرد بر جامعه، بلکه بر اساس این گرایش هر یک از این دو -فرد و جامعه- در زندگی از حقوق مناسب و متناسب خویش برخوردارند. افراد در جامعه از حقوق خود بهره‌مند هستند و جامعه نیز حقوق خود را دارا می‌باشد. هر دو نوع حقوق پیرو قواعد و شرایط دقیقی هستند. در این گرایش، در صورت تعارض میان نفع عمومی و فردی، نفع عمومی (نفع جامعه) از اولویت و برتری برخوردار خواهد بود.

در این نوشتار ما بطور کلی به بررسی حقوق بشر در پرتو مقررات و قواعد اسلامی می‌پردازیم. مبنای این حقوق قرآن و سنت پیغمبر (ص) می‌باشد. قرآن و سنت دو منبع اصلی و عمده فقه اسلامی و زندگی اسلامی می‌باشد. هدف این دو منبع این است تا در تعامل با دیگر افراد در جوامع خود و تمام جوامعی که در سراسر گیتی وجود دارد، فرد نمونه و ایده‌آلی را پرورش و به جامعه بشری ارائه دهد.

بطور قطع، ما بر این باوریم که بکار بست قواعد اجتماعی و اصول گرایش سوم بطور یقینی تمام بشریت را به سرمنزل سعادت خواهد رساند. افزون بر آن، بکار گیری این اصول جامعه را قادر می‌سازد تا به صلح، آرامش، و امنیت مطلوب دست یابد. این حقوق و اصول اجتماعی نتیجه تجربیات، ایدئولوژیهای اجتماعی، نیازهای زودگذر و آنی یا گرایشها و انگیزه‌های سیاسی نیستند.

دلیل بنیادی باور قطعی ما به اینگونه حقوق و اصول اجتماعی این است که آفریدگار بشر این حقوق و اصول را وضع کرده است که خود بهتر از هر کسی می‌داند چه چیزی در تمام زمانها برای آفریدگانش مفید و موثر خواهد بود. خداوند قادر و توانا خود از هر کس دیگری بهتر می‌داند چه چیزی به سود بشر است، چه چیزی به ضرر وی، چه چیزی وی را به

سعادت می‌رساند، چه چیزی وی را غمگین می‌سازد، چه عواملی وی را به موفقیت می‌رساند، چه چیزی بشر را به ورطه فلاکت و بدبختی می‌رساند و جز آن. خداوند از همه داناتر است. وی می‌داند که چه چیزی به صلاح بشر است و تمام نیازهای مخلوقات خویش بر روی زمین را رفع و جام زندگی آنها را از موفقیت، امنیت و لذت سرشار می‌کند.

قرآن کریم، که حدود پانزده قرن پیش بر حضرت محمد (ص) نازل شد، خود در بردارنده بخش بزرگی از این قواعد بنیادین اجتماعی است. افزون بر آن، سنت پیامبر، به منزله دومین منبع فقه اسلامی، رهنمودهای بسیاری را در خود جای داده است. پیامبر اسلام (ص) این قواعد و اصول اجتماعی را در حدود پانزده قرن پیش به بهترین شکل و روش اعلام کردند. قرآن و سنت، هر دو، به بشر و حقوق فردی آن در جامعه احترام می‌گذارند و آنها را محترم می‌شمارند. از سوی دیگر، هر دو منبع فقه اسلامی، نیازها و حقوق جامعه و نفع و مصلحت عمومی را نادیده نمی‌گیرند. در حقیقت، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«و لقد کرما بنی آدم و حملنهم فی البر و البحر و رزقنهم من الطیبیت و فضلنهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا»^۱

اینگونه کرامت و احترام برای بشر مستلزم این است که مجموعه‌ای از حقوق ارایه شود تا تداوم زندگی و آزادی‌های وی را تضمین کند. در نتیجه بشر تکریم می‌شود و به منزله اشرف مخلوقات بر روی زمین قرار داده می‌شود. در عین حال، بشر به منظور ایفای نقش خویش به منزله اشرف مخلوقات، باید دارای طبقات و گروه‌هایی باشد که افراد خاصی بتوانند وظایف و نقشهای معینی را انجام دهند. خداوند در قرآن کریم این مفهوم را اینگونه به تصویر می‌کشد:

«و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما ءاتکم ان ربک سریع العقاب و انه لغفور رحیم»^۲.

^۱. و به راستی که فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب مراد] روانه داشتیم و به ایشان از پاکیزه‌ها روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم، چنانکه باید و شاید برتری بخشیدیم.
(قرآن کریم، سوره الاسراء، آیه ۷۰).

^۲. و او کسی است که شما را جانشینان [الهی] بر روی زمین گماشت، و بعضی را بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید:

در حقیقت، باید خاطر نشان ساخت که حقوق بشر از دیدگاه اسلام نمایانگر فرایند مستمری است که هرگز، حتی پس از مرگ بشر، متوقف نمی‌شود. از دید اسلام بشر مستحق این است که پس از مرگش بطور شایسته غسل داده شود و همچنین در کفن پوشانده شود و سپس بر جسدش نماز گزارده شود. افزون بر آن، اسلام از بین بردن جسد متوفی، بریدن گوش و زبان، درآوردن چشم، کشیدن دندان، بریدن بینی، قطع پا و جز آن را منع می‌کند. در این خصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید:

«كسر عظم الميت ككسر عظم الحی فی الاثم»^۱.

اضافه بر این، جسد فرد مرده پس از مرگش با اجرای حقوق زیر مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد: بدون هیچ دلیل مهم یا موجهی نباید قبر میت مسلمان را نبش کرد، کسی حق ندارد که بر روی قبر مرده مسلمان بنشیند و هیچ کس حق ندارد که بر روی قبر مسلمان راه برود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره در حدیثی می‌فرماید:

بیگمان پروردگارت زود کیفر و همو آمرزگار مهربان است. (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۶۵).

^۱. سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۱۶۱۷؛ احمد، حدیث شماره ۲۴۲۶۲ و سنن ابی

«لان يجلس احدكم على جمرة فتحرق ثيابه، فتخلص الى جلده؛ خیر له من ان يجلس على قبر»^۱.

در عین حال مسلمان وقتی فوت می‌کند مستحق است که در مقابل بدگوییها و اذکار سوء حمایت شود. در این زمینه پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند:

«اذكروا محاسن موتاكم، و كفوا عن مساوئهم»^۲.

در حقیقت، فرد متوفی از حقوق بیشتری برخوردار است از جمله: شخص مرده مستحق دعا و نماز، التماس و صدقاتی است که پس از مرگ به وی هدیه می‌شوند. وصیت میت مسلمان باید بطور کامل اجرا شود و همچنین تعهدات و دیون وی در زمان حیات ایفا شوند، ولی در صورتیکه مرگ وی ناگهانی باشد، نمی‌توان آنها را اجرا کرد. در این زمینه در حدیثی نقل شده است که:

«مردی از پیامبر خدا پرسید: ای پیامبر! والدین من فوت کرده‌اند، آیا می‌توانم کاری انجام دهم که مایه خوشحالی آنها باشد و اینکار برای آنها مفید باشد، حتی پس از مرگشان؟ پیامبر

^۱ . صحیح مسلم، المجلد الثاني، حدیث شماره ۹۷۱.

^۲ . الجامع الكبير للامام الحافظ ابي عيسى محمد بن عيسى الترمذی، المجلد الثاني،

حدیث شماره ۱۰۱۹.

بلافاصله در جواب فرمودند: «نعم. الصلاه علیهما، و الاستغفار لهما، و ایفاء بعهودهما من بعد موتهما، و اکرام صدیقهما، و صله الرحم التي لا توصل الا بها».

آری، می توان یادآور شد که برخی از سازمانهای بین المللی حقوق بشر امروزه خواهان اصولی مشابه آنچه که ذکر شد، هستند. حال آنکه، این حقوق را اسلام پانزده قرن پیش تثبیت و تاسیس کرده است. برعکس، حقوقی که سازمانهای بین المللی امروزی از آنها نام می برند از ویژگی نقص و کاستی برخوردارند. این حقوق که سازمانهای بین المللی وضع کرده اند و از آن نام می برند، قبل از هر چیز باید گفت که برای منافع افراد انسانی نیستند، بلکه بیشتر به نفع و مصلحت خود این سازمانها می باشد. این ادعای ما هنگامی ثابت و بارز می شود که می بینیم در سراسر جهان بسیاری از حقوق بشر نقض و پایمال می شوند حال آنکه هیچ سازمانی برای دفاع از اینگونه حقوق پایمال شده ی بشر بر نمی خیزد. کسی از افراد فقیر و مظلوم حمایت نمی کند. افراد ضعیف و ستمدیده بدست فراموشی و غفلت سپرده شده اند.

سازمانهای بشردوستانه به یاری افراد مظلوم نمی شانند زیرا با یاری رساندن به این افراد منافع آنها تامین نمی شود، در نتیجه ادعای برای حمایت از منافع ستمدیدگان وارد عرصه عمل

نمی‌شوند و دخالتی نمی‌کنند. این سازمانها در چنین مواردی این شعار را یدک می‌کشند که: «در امور داخلی کشورها یا ملتهای دیگر دخالت نکنید». از سوی دیگر اسلام با قربانی کردن منافع و مصالح فردی خواهان حمایت، دفاع و پشتیبانی از افراد ستم‌دیده و مظلوم می‌باشد. اسلام از بین بردن هر گونه ظلم و ستم علیه ستم‌دیدگان را امری واجب می‌داند البته در صورتیکه فرد بر انجام این کار توانا باشد و مشروط بر اینکه هیچ‌گونه خسارت فردی بر از بین برنده‌ی ظلم یا دیگران وارد نیاید و همچنین به شرط اینکه قوانین و مقررات حاکم یا حکومت اسلامی مورد تجاوز و تعرض قرار نگیرند.

خداوند متعال می‌فرماید:

«و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا»^۱.

شایسته است در اینجا اشاره شود که اجرای حقوق بشر در کشورهای اسلامی به نحو لاینفکی با تعهد به اجرا و اعمال

^۱. «و چرا در راه خدا و در راه [آزاد سازی] مردان و زنان و کودکان مستضعف - که

می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که اهلش ستمگرند خارج فرما و از سوی

خویش برای ما یاری و یابوری بگمار - کارزار نکنند؟ (سوره نساء، آیه ۷۵).

آموزه‌ها و اصول اسلامی در ارتباط است. پاره‌ای از کشورهای اسلامی بطور کامل به دین اسلام پشت کرده‌اند؛ حال آنکه پاره‌ای دیگر تنها آن بخش از اسلام را قبول دارند که مقاصد و منافعشان را تامین می‌کند. در عین حال، پاره‌ای از کشورهای اسلامی تنها وانمود می‌کنند که آموزه‌ها و اصول اسلامی را بکار می‌گیرند، لکن، در واقع، این گروه از کشورها در جهت تخریب و تحریف اسلام از درون تلاش می‌کنند. بنابراین بجاست در این جا اشاره شود که اگر فرد مستقل و بیطرفی بخواهد در باره اسلام تحقیق و مطالعه کند، باید تحقیق خود را با مطالعه و بررسی اسلام بر پایه ارزشهای خود این دین، به منزله نظامی کاملاً پیشرفته، انجام دهد. این فرد نباید تحت تاثیر عملکرد و رفتار افراد، گروهها یا اقلشار، کشورها یا حکومتهای خاصی قرار بگیرد. آنگونه که پیش از این گذشت، بکارگیری اصول و حقوق اسلامی قبل از هر چیز بر اساس میزان التزام و تعهد افراد یا کشورها و حکومتها نسبت به اسلام متفاوت است. چنانچه نظامی شایسته و خوب باشد و در عمل ما شاهد پاره‌ای از کاستی‌ها و اشتباهات بودیم، بنابراین باید به بررسی خود عمل و اجرای قواعد این نظام پردازیم و نه خود نظام؛ چرا که فرض ما بر خوب بودن و شایسته بودن نظام است بنابراین باید به نحوه عملکرد مجریان پردازیم. برای نمونه، اگر به فردی برخورد

کردیم که ادعا می‌کند که رفتار و کردارش همانند یک مسلمان صالح و خوب است، باید نظرات، کردار، گفتار و شخصیت وی را بررسی کنیم و اگر دیدیم که نه این فرد بطور کلی چیز دیگری است و تنها عنوان اسلام را یدک می‌کشد، آنگاه باید در وی با دیده شک و تردید نگریست. اگر در کردار و گفتار این فرد دروغ، فریب، مکر و نقض عهد را مشاهده کردیم نباید به جای خود این فرد، نظام یعنی اسلام را به ناکارآمدی و ناشایستگی متهم کنیم. بطور کلی باید در مورد خود نظام بررسی کنیم تا دریابیم که این نظام چه است و چه نتایج و پیامدهایی برای بشر دارد. شاید بتوان با ارایه مثالی، موضوع را روشن‌تر کرد. اگر فردی به نان نیاز داشته باشد باید به نانوايي یا حداقل به فروشگاههایی از قبیل خوار و بار فروشی یا سوپر مارکت، که در آنجا نان عرضه می‌شود، برود. چنانچه این فرد به میوه فروشی یا لبنی فروشی برود هرگز نمی‌تواند در آنجا نان پیدا کند. قرآن کریم این موضوع را به صورت کلی و عام بیان می‌کند. خداوند می‌فرماید:

«و ان تطع اكثر من في الارض يضلوك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون»^۱.

با کمال تأسف، مشاهده می‌شود که امروزه بسیاری از مسلمانان سراسر جهان، نمایندگان واقعی و راستین اسلام نیستند. بسیاری از این مسلمانان اشتباهات کثیری مرتکب می‌شوند و از ناکارایی و بی‌لیاقتی بسیار برخوردارند. این وضعیت بسیار اسفباری است، ولی با کمال تأسف واقعیت دارد. دلیل بیان چنین مطالبی در این مقدمه این است که تا از پیش به همه و تمام کسانی که می‌خواهند اسلام را به منزله راه زندگی بپذیرند، هشدار و اطلاع دهیم که نباید تحت تاثیر افکار و کردار نادرست اینگونه مسلمانان قرار بگیرند و فریب بخورند.

امید آن داریم که افراد علاقه‌مند و مشتاق، مایوس و نا امید نشوند. از سوی دیگر، هدف ما تشویق مسلمانان به انجام بهترین اعمال و مراسم دینی در تمام جنبه‌های زندگی شان می‌باشد. افزون بر آن، از غیر مسلمانان دعوت می‌کنیم تا در مورد اسلام تحقیق و تفحص نمایند، سعی کنند مبانی و اصول

^۱. و اگر از بیشتر مردم این سرا زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند، چرا که جز از وهم و گمان پیروی نمی‌کنند و جز این نیست که دروغ می‌بافند. (سوره انعام، آیه ۱۱۶).

دین اسلام را درک و تلاش نمایند تا بر پایه معیارها و الگوهای اسلام زندگی کنند.

یک زمانی به من اطلاع دادند که یک تازه مسلمان آمریکایی به تازگی اسلام را پذیرفته بود، به یکی از کشورهای اسلامی آمد. وی با مشاهده وضعیت مسلمانان در آن جامعه اسلامی شوکه شد. وی متوجه شد که چقدر مسلمانان از آموزه‌های زیبا و مطلوب اسلامی و اصول آن فاصله دارند. این فرد تازه مسلمان با مشاهده این اوضاع و احوال گفت: «خدای را سپاس که مرا قادر نمود تا پیش از آمدن به این دیار، اسلام را بعنوان راه زندگی بپذیرم. اگر پیش از گرویدن به اسلام به این سرزمین می‌آمدم، هرگز فکر گرایش به اسلام را حتی به ذهنم نیز راه نمی‌دادم».

این تازه مسلمان، به خاطر آنچه که از سهل انگاری مسلمانان مشاهده کرد، این سخنان را بر زبان راند. این واقعا یک وضعیت بسیار اسفناکی است.

عبد الرحمن الشها

ریاض، عربستان سعودی

۱۴۲۲ ه.ق.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۶	مقدمه مؤلف
۱۹	اسلام و نیازهای بنیادین
۲۰	نیاز به غذا و امنیت
۲۱	نیاز به غذا و تغذیه مناسب
۲۳	تحصیلات ابتدایی برای همه
۲۶	امکانات مناسب بهداشتی
۲۸	برابری در اسلام
۳۷	اسلام و نیازهای ضروری
۳۸	حفظ دین آسمانی

۵۲	حمایت فیزیکی و جسمانی از بشر
۵۹	صیانت از فکر و ذهن بشر
۶۱	صیانت از کرامت و حیثیت بشر
۶۷	صیانت از مال و دارایی
۷۲	صیانت از زاد و ولد (تولید نسل)
۷۴	صیانت از نسب
۷۹	صیانت از حقوق، حیثیت و کرامت افراد ضعیف و از کار افتاده
۸۱	صیانت و حفاظت از منابع ملی
۸۴	حقوق عمومی در اسلام
۸۷	حقوق خداوند بر بشر
۹۷	حقوق پیامبر اسلام (ص) بر بشر
۱۰۳	حقوق دیگر پیامبران و رسولان الهی
۱۰۵	حقوق متقابل مردم و رهبر
۱۰۷	حقوق رهبر بر مردم
۱۰۹	حقوق مردم بر رهبر
۱۱۲	حقوق متقابل افراد نسبت به همدیگر در خانواده
۱۱۶	حقوق والدین

۱۲۰	حقوق فرزندان
۱۲۲	حقوق زوج بر زوج
۱۲۶	حقوق زوجه بر زوج
۱۳۲	حقوق خویشاوندان
۱۳۴	حقوق افراد در جامعه
۱۳۴	حقوق همسایگان
۱۳۷	حقوق دوستان
۱۳۷	حقوق فقرا
۱۴۳	حقوق کارگران
۱۴۵	حقوق کارفرمایان
۱۴۶	حقوق دیگر آفریده‌ها
۱۶۸	پیوست
۱۸۴	نماینه آیات
۱۹۰	کتابشناسی